



doi: [10.30497/hcr.2023.244039.1094](https://doi.org/10.30497/hcr.2023.244039.1094)



Received: 2022/11/01

Accepted: 2023/02/01

Forbidden rights determined in article 43 of Constitution

Mohammad Barzgar Khosravi*

Abstract

According to paragraph 15 of the general policies of the legislative system announced by the Supreme Leader on 7/6/2018, one of the axes of determining the country's legislative priorities is the implemented principles of the Constitution. In the current situation of the country, the economy is one of the most important priorities of the country. As a result, it is necessary to evaluate the economic principles of the Constitution from this point of view. In addition to sub-paragraph 12 of article 3, the head of article 43 and the sub-section of article 44 of the constitution, the objectives of the economic system have been stated. The forty-third article of the constitution has stated the rules of the economic system of the Islamic Republic of Iran in nine clauses, which are the basic elements of a correct and fair economy. Considering the legal requirement and the necessity of fulfilling these criteria, the basic question is which one of them has been neglected. It is also necessary to look at these rules as a single set so that the system of economic rules of the Islamic Republic of Iran can be evaluated in terms of the level of realization as a coherent package. The results of this research show that due to the lack of a unified and coherent look at the set of rules of the economy of the Islamic Republic of Iran stipulated in Article 43 of the Constitution, some of these rules have been neglected at times, and the implementation of one rule has led to the neglect of another rule.

Keywords: Public law, Constitution, Right, Economies, Iran, Forbidden.

* Majlis Research Center - Legal Studies Office, Tehran, I.R.Iran.
mbarzegarkhosravi@gmail.com

حقوق مغفول مندرج در اصل چهل و سوم قانون اساسی

محمد برزگر خسروی*

چکیده

بر اساس بند ۱۵ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ابلاغی ۱۳۹۸/۷/۶ مقام معظم رهبری، یکی از محورهای تعیین اولویت‌های قانون‌گذاری کشور، اصول اجرانشده قانون اساسی است. در شرایط فعلی کشور، اقتصاد یکی از مهم‌ترین اولویت‌های کشور است. در نتیجه لازم است اصول اقتصادی قانون اساسی از این حیث مورد ارزیابی قرار گیرند. علاوه بر ذیل بند ۱۲ اصل ۳، صدر اصل ۴۳ و ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی، اهداف نظام اقتصادی را بیان کرده‌اند. اصل چهل و سوم قانون اساسی در ۹ بند، ضوابط نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بیان کرده است که آنها عناصر اساسی اقتصاد صحیح و عادلانه هستند. نظر به الزام حقوقی و ضرورت تحقق این ضوابط، سؤال اساسی این است که کدام یک از آنها مغفول مانده است. به بیان دیگر، کدام یک از حقوق متناظر با نه بند اصل ۴۳ قانون اساسی که معرف ضوابط نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است، مغفول باقی مانده است. همچنین لازم است به این ضوابط به عنوان یک مجموعه واحد نگریست تا منظومه ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بسته منسجم، مورد ارزیابی از حیث میزان تحقق قرار گیرد. در این مقاله با روش تحلیلی - انتقادی، اسناد بالادستی و قوانین و مقررات جاری کشور، از حیث تحقق ضوابط مصرح در اصل ۴۳ قانون اساسی و حقوق متناظر با این ضوابط، مورد واکاوی قرار می‌گیرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد به دلیل عدم نگاه یکپارچه و منسجم به مجموعه ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصرح در اصل ۴۳ قانون اساسی، برخی از این ضوابط و حقوق متناظر، در مقاطعی مغفول باقی مانده است و اجرای یک ضابطه و حق متناظر، موجب غفلت از ضابطه و حق متناظر دیگری شده است.

واژگان کلیدی: حقوق عمومی، قانون اساسی، حق شهروندی، نظام اقتصادی، ایران، مغفول و متروک.

* پژوهشگر، دفتر مطالعات حقوقی، مرکز پژوهش‌های مجلس، جمهوری اسلامی ایران، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

حقوق ملت و آحاد مردم، یکی از بنیان‌های حقوق اساسی هر کشوری است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق ملت به ۲ طریق بیان شده است:

۱- بیان مستقیم که اصول فصل سوم قانون اساسی تحت همین عنوان «حقوق ملت» آمده است.

۲- بیان غیرمستقیم، خواه با بیان وظایف دولت - کشور و خواه با بیان ضوابط و قواعد نظامات تخصصی مثل نظام اقتصادی (موضوع اصل ۴۳) و یا نظام زیست‌محیطی (موضوع اصل ۵۰). روی دیگر وظایف دولت، حقوق ملت است؛ لذا هر یک از وظایف دولت، بیانگر یکی از حقوق ملت است؛ هر چند که به صراحت در زمره وظایف دولت نیامده باشد. بر اساس تعالیم اسلام، حق، طرفینی است؛ حقوق و تکالیف چنان آمیخته با یکدیگرند که لاجرم هر حقی با تکلیفی به وجود می‌آید مگر در مورد خدا (سوره انبیاء: آیه ۲۳ و نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶). در علم حقوق، در پرتوی درک مفهوم «حق»، مفهوم «تکلیف» مشخص می‌شود (جاوید، ۱۳۸۹، ص. ۶۶). جهت تحقق شهروند کارآمد و تأثیرگذار، باید حق‌ها و تکالیف با هم ترکیب شوند (جاوید و ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص. ۲۸).

از حیث اقتصادی، ۶ دسته وظایف ذیل برای دولت‌ها بیان می‌شود (بانک جهانی، ۱۳۷۸، صص. ۸-۱۵):

- ۱- استقرار حاکمیت قانون شامل امنیت، دادگستری، تضمین اجرای قوانین و مقررات و تحقق عدالت؛
- ۲- تأمین ثبات اقتصاد کلان؛
- ۳- ایجاد و ارتقای زیرساخت‌ها از قبیل راه، پل، بندر، فرودگاه، آب، برق و گاز؛
- ۴- ارائه خدمات رفاهی از قبیل خدمات درمانی و آموزش عمومی؛
- ۵- حفاظت از محیط زیست؛
- ۶- تقویت توان تولیدی اقتصاد ملی.

۱. «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

جهت نیل به این وظایف، ۵ شیوه ذیل اعمال می‌شود (پتفت و مؤمنی‌راد، ۱۳۹۴، صص. ۱۸۵-۲۰۵؛ مؤمنی، ۱۳۸۵، صص. ۱۳۳-۱۵۹): ۱- ایجاد سازمان دولتی، ۲- ایجاد شرکت دولتی، ۳- مشارکت با بخش خصوصی، ۴- اعطای تسهیلات مالی یا اخذ مالیات و ۵- مقررات‌گذاری.

۱. بیان مسئله؛ حق مغفول

بر اساس بند ۱۵ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ابلاغی ۱۳۹۸/۷/۶ مقام معظم رهبری، یکی از محورهای تعیین اولویت‌های قانون‌گذاری کشور، اصول اجرانشده قانون اساسی است.

۲. سؤال‌های پژوهش

پرسش اصلی این مقاله این است که کدام یک از حقوق متناظر با *نه بند اصل ۴۳* قانون اساسی، که معرف ضوابط نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است، مغفول باقی مانده است. برای پاسخ به این پرسش، سؤال‌های فرعی زیر قابل طرح است:

۱- حقوق متناظر با *نه بند اصل ۴۳* قانون اساسی، شامل چه موارد و مصادیقی است؟

۲- کدام یک از حقوق مزبور، مغفول است؟

۳. فرضیه پژوهش

فرضیه این پژوهش این است که به دلیل عدم نگاه یکپارچه و منسجم به مجموعه ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصرح در اصل *۴۳* قانون اساسی، برخی از این ضوابط و حقوق متناظر، در مقاطعی مغفول باقی مانده است و اجرای یک ضابطه و حق متناظر، موجب غفلت از ضابطه و حق متناظر دیگری شده است.

برای پاسخ به این سؤال‌ها، ابتدا حقوق متناظر با *نه بند اصل ۴۳* قانون اساسی تحلیل می‌شود (پاسخ به سؤال فرعی اول) و سپس با تحلیل هر یک از این حقوق و مطالعه انتقادی قوانین کشور، مشخص می‌شود که کدام یک از آنها مغفول باقی مانده است (پاسخ به سؤال فرعی دوم).

۴. پیشینه پژوهش

پیشینه‌ای در خصوص موضوع و سؤال این مقاله، یافت نشد.

در این مقاله با روش تحلیلی - انتقادی، اسناد بالادستی و قوانین و مقررات جاری کشور، از حیث تحقق ضوابط مصرح در اصل ۴۳ قانون اساسی و حقوق متناظر با این ضوابط، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۵. حقوق متناظر با هر یک از ضوابط نظام اقتصادی موضوع اصل ۴۳

ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۳ قانون اساسی در ۹ بند بیان شده است که می‌توان آنها را عناصر اساسی اقتصاد صحیح و عادلانه دانست. بر اساس بند ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی، یکی از وظایف دولت و به تعبیری دیگر، یکی از حقوق ملت، «پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» است.

به تصریح اصل ۴۳ قانون اساسی، «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد؛

۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به‌صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛

۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از

بهره‌کشی از کار دیگری؛

- ۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛
 - ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات؛
 - ۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛
 - ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛
 - ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.
- برای تبیین و تحلیل حقوق متناظر با هریک از نه ضابطه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، هریک از ۹ بند را به‌صورت مستقل مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

۱-۵. بند ۱ اصل ۴۳: تأمین نیازهای اساسی

در این بند، نیازهای اساسی به‌صورت حصری به شرح ذیل بیان شده است:

- ۱- نیاز به مسکن: بند ۱۲ اصل ۳ با تصریح بر پی‌ریزی اقتصادی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت، به‌عنوان وظیفه دولت، حق بر داشتن مسکن را به‌رسمیت شناخته است. طبق اصل ۲۲، مسکن اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. درعین‌حال، اصل ۳۱ مقرر داشته است که «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند»؛
- ۲- نیاز به خوراک: بند ۱۲ اصل ۳ با تصریح بر پی‌ریزی اقتصادی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه تغذیه، به‌عنوان وظیفه دولت، حق بر تغذیه را به‌رسمیت شناخته است؛
- ۳- نیاز به پوشاک؛
- ۴- نیاز به بهداشت: بند ۱۲ اصل ۳ با تصریح بر پی‌ریزی اقتصادی جهت ایجاد رفاه و

رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه بهداشت، به عنوان وظیفه دولت، حق بر بهداشت را به رسمیت شناخته است. طبق اصل ۲۹، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر نیاز به خدمات بهداشتی، حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند. اصل ۱۰۰ مقرر کرده است برای پیشبرد سریع برنامه‌های بهداشتی، از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند؛

۵- نیاز به درمان: طبق اصل ۲۹، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر نیاز به خدمات درمانی و مراقبت‌های پزشکی، حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند؛

۶- نیاز به آموزش و پرورش: بند ۳ اصل ۳، آموزش و پرورش رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی و بند ۱۱ اصل ۳ و اصل ۱۵۱، تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی را از وظایف دولت اعلام کرده است. طبق اصل ۳۰، «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». مجلس باید در قوانین بودجه سالانه، بودجه لازم برای اجرای این وظیفه دولت را تصویب کند. اصل ۱۰۰ مقرر کرده است برای پیشبرد سریع برنامه‌های آموزشی، از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند؛

۷- نیاز به امکانات لازم برای تشکیل خانواده: ایجاد دادگاه خانواده برای حفظ کیان و بقای خانواده در بند ۳ اصل ۲۱ قانون اساسی تصریح شده است. طبق ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، «به‌منظور رسیدگی به امور و دعاوی

خانوادگی، قوه قضائیه موظف است ظرف ۳ سال از تاریخ تصویب این قانون در کلیه حوزه‌های قضائی شهرستان به تعداد کافی شعبه دادگاه خانواده تشکیل دهد». «قضات دادگاه خانواده باید متأهل و دارای حداقل چهار سال سابقه خدمت قضائی باشند» (ماده ۳ قانون مزبور). صلاحیت این دادگاه در ماده ۴ این قانون به تفصیل تعیین شده است. نظر به جایگاه حق بر تشکیل خانواده، اصل ۳۱ مقرر داشته است که داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر خانواده ایرانی است.

۲-۵. بند ۲ اصل ۴۳: تأمین شرایط و امکانات کار

بر اساس موازین اسلامی به‌عنوان بالاترین هنجار حقوقی (مستنبط از اصل ۴)، تأمین نیازهای روزمره برای هر انسانی از طریق کار کردن و داشتن شغل، واجب است. دولت برای امکان داشتن تحقق این واجب شرعی، مکلف به تأمین شرایط و امکانات کار است. بر اساس ذیل اصل ۲۸، «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید».

۳-۵. بند ۳ اصل ۴۳: تنظیم برنامه اقتصادی کشور به‌صورتی مطلوب در جهت تأمین حقوق و آزادی‌های افراد

طبق این بند، شکل و محتوا و ساعت کار هر فرد باید به نحوی باشد که حقوق و آزادی‌های افراد را تأمین کند.

۴-۵. بند ۴ اصل ۴۳: رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری

بر اساس صدر اصل ۲۸، «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند». حق مصرح در صدر این اصل، مشروط به ۳ شرط سلبی «عدم مخالفت با اسلام» (منع مکاسب محرمه)، «عدم مخالفت با مصالح عمومی» (منع عدم رعایت مصالح صنفی یا اخلال به سلامت و امنیت عمومی به ترتیب مانند اشتغال به صافکاری در وسط بازار پلافروشان یا فروش داروهای فاقد استاندارد یا مجوز یا فروش اسلحه) و «عدم مخالفت با حقوق دیگران» است. در نتیجه، اصل بر اباحه یا جواز داشتن شغل است مگر اینکه قانون، معنی را بیان کرده باشد و در صورت شک، به اصل جواز باید استناد کرد.

۵-۵. بند ۱۵ اصل ۴۳: منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام
از آنجاکه ممکن است در عمل، حقوق افراد با یکدیگر تزاخم پیدا کند، انسان‌ها نمی‌توانند آزادی مطلق داشته باشند. بر همین اساس در تعریف آزادی به مفهوم غربی آن، عده‌ای (از جمله جان استوارت میل^۱) عقیده دارند که محدوده آزادی هر فرد، آزادی دیگران است (وابرتون^۲، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۴). بر اساس اصل ۴۰ قانون اساسی، هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر قرار دهد.

معاملات باطل، معاملاتی هستند که به دلیل عدم رعایت برخی الزامات قانونی، بلااثر و از همان ابتدا لغو و بیهوده هستند، مثل معاملات شخص مجنون؛ اما الزاماً این معاملات، معاملات حرام شرعی نیستند؛ مانند معامله در هنگام برگزاری نماز جمعه؛ بنابراین، بین معاملات باطل و حرام، رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد. نظر تفسیری شماره ۹۳۴۸ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ شورای نگهبان مقرر داشته است: «دریافت بهره و خسارات تأخیر تأدیه از دولت‌ها و مؤسسات و شرکت‌ها و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند، شرعاً مجاز است؛ لذا مطالبه وصول این‌گونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصول چهل و سوم و چهل و نهم قانون اساسی شامل این مورد نمی‌باشد».

طبق اصل چهل و نهم، دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد و این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

۵-۶. بند ۶ اصل ۴۳: منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد

در بند ۳ نامه مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ دبیر شورای نگهبان که به امضای دو تن از حقوق‌دانان این شورا نیز رسیده است، لایحه بودجه سال ۱۳۶۵ کل کشور به جهت «اشتمال لایحه بر مخارج و مصارفی که لاقلاً در شرایط مالی فعلی اسراف یا تبذیر است»، مغایر موازین اسلامی و قانون اساسی دانسته شد (مرکز تحقیقات شورای نگهبان تهیه و تنظیم)، ۱۳۸۹، صص. ۳۰۵-۳۰۳).

اصل ۴۸ قانون اساسی جهت عدم اسراف در اعتبارات استانی مقرر کرده است در

1. John Stuart Mill
2. Waberton

بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

۷-۵. بند ۷ اصل ۴۳: استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای پیشرفت کشور

طبق اصل ۲، یکی از روش‌های نیل به اهداف جمهوری اسلامی ایران، استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری است. براین اساس، دولت مکلف به استفاده از افراد متخصص و ماهر در اعمال امور حاکمیتی و تصدی خویش است.

۸-۵. بند ۸ اصل ۴۳: جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور

این امر از اهداف نظام اقتصادی است. محدودیت‌های مقرر در قوانین ناظر بر فعالیت خارجیان نظیر اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، به این امر برمی‌گردد. به‌عنوان نمونه، شورای نگهبان در نظر شماره ۸۱/۳۰/۲۵۰۹ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۸ و نظر شماره ۸۱/۳۰/۲۵۶۸ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۶ خود در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور، مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۱۷ مجلس، عدم ترجیح سرمایه‌گذاران ایرانی بر سرمایه‌گذاران خارجی در مواردی که توانایی انجام آن را دارند، خلاف بند (۱۳) اصل سوم و بند (۸) اصل ۴۳ قانون اساسی شناخت.

۹-۵. بند ۹ اصل ۴۳: تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای

عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند

بند (۵) اصل ۳، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و بند (۱۳) اصل ۳، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها، را از وظایف دولت دانسته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، شورای نگهبان در نظر شماره ۷۸/۲۱/۶۳۵۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۳ خود در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور، مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۲۱ مجلس اعلام داشت: «نظر به اینکه مطابق اصل سوم قانون اساسی، دولت باید در جهت تأمین خودکفایی صنعت حرکت کند و مطابق اصل چهل و سوم تأمین شرایط و امکانات کار و پرهیز از اسراف و تبذیر در مصرف و نیز پیشرفت اقتصاد

کشور باید مورد توجه باشد، دادن مجوز ورود خودرو در سال ۱۳۷۹ به گونه‌ای که در بند (د) تبصره (۱۴) آمده است، مؤثر در بازار داخلی تولید خودرو و در شرایط فعلی موجب افزایش تقاضای ارز خواهد شد، و بنابراین با روح و جهت‌گیری‌های کلی اقتصادی مورد نظر قانون اساسی مغایر است».

۶. شناسایی حقوق مغفول متناظر با اصل ۴۳ قانون اساسی

در خصوص هریک از وظایف دولت که به صورت ضمنی معرف حقوق ملت است، این سؤال وجود دارد که این وظیفه، از جنس «تعهد به انجام یا وسیله» است یا «تعهد به نتیجه»^۱. پاسخ به این سؤال در خصوص هر وظیفه دولت (که همان حقوق ملت است) بر تشخیص اینکه این حق، مغفول است یا خیر اثرگذار است. براین اساس، در خصوص هریک از حقوق متناظر با هریک از ضوابط نظام اقتصادی موضوع اصل ۴۳، به شرح ذیل به این سؤال پاسخ داده شده است:

۶-۱. بند ۱ اصل ۴۳: حق بر تأمین نیازهای اساسی

در خصوص حق بر مسکن، وظیفه دولت، تعهد بر انجام است و به همین دلیل، ذیل اصل ۳۱، اولویت‌ها را با ذکر مصادیق تمثیلی بر اساس شرایط زمانی تصویب اصل (سال ۱۳۵۸) تعیین کرده است تا دولت ابتدا تعهد خود را نسبت به «آنها که نیازمندترند» انجام دهد. این حق، در قوانین مختلف به شرح ذیل مورد توجه قرار گرفته است؛ لذا از

۱. در «تعهد به وسیله یا انجام یا اقدام»، متعهد با به‌کارگیری وسیله و امکانات خاص، در صورت کسب کردن آنها، متعهد به محتوای حق است؛ اما در «تعهد به نتیجه»، متعهد مکلف به تدارک حق است و باید مقدمات تدارک حق را ایجاد یا کسب کند. به بیان دیگر، در تعهد به انجام، مکلف در صورت وجود مقدمات و امکانات، متعهد به انجام است و لزومی ندارد که این مقدمات را فراهم کند؛ اما در تعهد به نتیجه، متعهد باید تمامی مقدمات و امکانات لازم برای تحقق حق را فراهم کند؛ البته بر اساس قواعد عمومی مسئولیت، همه تعهدات، محدود و مقید به توان و وسع متعهد است.

براین اساس، حقوق منفی (حقوقی که با «ترک فعل» دولت، برای مردم ایجاد می‌شود، مانند حق بر آزادی بیان که با عدم جرم‌انگاری توسط دولت قابل تحقق است)، مانند نسل اول حقوق بشر (حقوق سیاسی - مدنی)، از جنس تعهد به نتیجه هستند؛ ولی حقوق مثبت (حقوقی که با «انجام فعل» توسط دولت برای مردم ایجاد می‌شود)، مانند حقوق نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و برخی حقوق نسل سوم مانند حق بر محیط زیست، از جنس تعهد به انجام هستند که دولت‌ها در حدود توان خود مکلف به تحقق آنها هستند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰، صص. ۵۹-۶۲، ۶۶-۶۵).

مصادیق حقوق مغفول نیست. فرمان ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ حضرت امام خمینی به منظور تأمین مسکن محرومان به‌ویژه روستاییان، اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۶ مجلس با اصلاحات بعدی آن، قانون تهیه مسکن برای افراد کم‌درآمد مصوب ۱۳۷۲ مجلس، قانون سامان‌دهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۷ مجلس با اصلاحات بعدی آن و قانون جهش تولید مسکن مصوب ۱۴۰۰ مجلس از مصادیق قوانین هستند.

در خصوص حق بر تغذیه (خوراک) و حق بر پوشاک و حق بر درمان، بر اساس موازین اسلامی به‌عنوان بالاترین هنجار حقوقی (مستنبط از اصل ۴)، دولت در خصوص ناتوانان (کسانی که قدرت فعالیت اقتصادی و کسب درآمد ندارند)، تعهد به نتیجه دارد و در خصوص غیرناتوانان، تعهد به انجام دارد. فرمان امام خمینی مبنی بر تأسیس کمیته امداد در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ با هدف سامان‌دهی و رسیدگی به وضعیت معیشت امور محرومان و نیازمندان کشور، لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب با اصلاحات بعدی آن، قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی مصوب ۱۳۷۴ مجلس با اصلاحات بعدی آن، قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ مجلس در راستای تحقق این حق تصویب شده‌اند. وظیفه دولت در خصوص سایر حقوق مستنبط از بند ۱ اصل ۴۳، تعهد بر انجام است.

قانون تأمین اجتماعی، قانون تأمین خدمات درمانی مستخدمان دولت، لایحه قانونی راجع به تأمین درمان معلولان و افراد خانواده آنها و همچنین افراد خانواده شهدای انقلاب اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب با اصلاحات بعدی آن، قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۴ مجلس با اصلاحات بعدی آن، قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷ مجلس با اصلاحات بعدی آن، قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳ مجلس با اصلاحات بعدی آن، قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴ مجلس با اصلاحات بعدی آن در راستای تحقق حق بر درمان و حق بر بهداشت تصویب شده‌اند.

قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب ۱۳۷۲ با اصلاحات بعدی آن، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰ و

تسهیلات تکلیفی مقرر در تبصره ۱۶ قوانین بودجه^۱ در راستای تحقق حق بر تشکیل خانواده تصویب شده‌اند.

۲-۶. بند ۲ اصل ۴۳: حق بر اشتغال

به تصریح ذیل بند ۲ اصل ۴۳، اقدام دولت در خصوص تأمین شرایط و امکانات کار برای همه، باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هریک از مراحل رشد صورت گیرد؛ لذا این امر از جنس تعهد به انجام یا اقدام است و به نظر می‌رسد که دولت به قدر توان خود، اقدام کرده است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به تسهیلات تکلیفی مقرر در تبصره ۱۶ قوانین بودجه^۲ اشاره کرد.

۳-۶. بند ۳ اصل ۴۳: حق بر تنظیم مشروع شکل و محتوا و ساعت کار

ماده (۵۱) قانون کار، ساعت کار را این‌گونه تعریف کرده است: «ساعت کار در این قانون مدت زمانی است که کارگر نیرو یا وقت خود را به‌منظور انجام کار در اختیار کارفرما قرار می‌دهد». ماده (۱۵۰) قانون مزبور، مدتی را که صرف ادای نماز یا صرف سحری و افطاری در ماه رمضان می‌شود، جزء ساعات کار به‌حساب آورده است. کارفرما می‌تواند ساعاتی را که صرف خوردن نهار یا استراحت می‌شود جزء ساعات کار به‌حساب نیاورد؛ البته می‌توان در صورت توافق، این اوقات را نیز جزء ساعات کار به‌حساب آورد. حداکثر

۱. تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور: تبصره ۱۶- تسهیلات تکلیفی

(الف) تسهیلات قرض‌الحسنه برای تشکیل خانواده

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است از محل صددرصد (۱۰۰) مانده سپرده‌های قرض‌الحسنه و پنجاه درصد (۵۰) سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری شبکه بانکی، تسهیلات موضوع این بند را با اولویت نخست از طریق بانک‌های عامل تأمین کند. بانک‌ها مکلفند مبتنی بر اعتبارسنجی متقاضیان، با أخذ سفته از متقاضی و یا یک ضامن معتبر به پرداخت تسهیلات اقدام نمایند. ...

۲. تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور: تبصره ۱۶- تسهیلات تکلیفی

... (ب) تسهیلات قرض‌الحسنه برای اشتغال‌زایی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است برای حمایت از اشتغال ...

(ج) تسهیلات قرض‌الحسنه حمایتی

۱- مبلغ بیست و پنج هزار میلیارد (۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از منابع جاری و سپرده قرض‌الحسنه شبکه بانکی در اختیار بنیاد شهید و امور ایثارگران به‌منظور اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به خانواده شهدا

۲- بانک مرکزی ...

ساعات کار در مشاغل عادی و برای کارگران عادی ۸ ساعت در روز و ۴۴ ساعت در هفته است (ماده ۵۱ قانون کار). شرط اول کار اضافی موافقت کارگر است (بند الف ماده ۵۹ قانون کار)؛ اما این شرط رعایت نمی‌گردد و در برخی موارد کارفرما کارگر را الزام می‌کند و حتی ساعات کار را به نحوی تعریف می‌کند که بیش از حداکثر قانونی است و بخشی از آن اضافه‌کاری به حساب می‌آید و حتی عملاً سقف ساعتی برای اضافه‌کاری وجود ندارد که این از عیوب قانون کار و مورد نقض بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی است. طبق ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، ساعات کار کارمندان دولت، ۴۴ ساعت در هفته است. در صورتی که در مواقع ضروری، خارج از وقت اداری مقرر و یا ایام تعطیل به خدمات کارمندان دستگاه‌های اجرایی نیاز باشد بر اساس اعلام نیاز دستگاه، مکلف به حضور در محل کار و انجام وظایف محوله در قبال حق‌الزحمه یا اضافه‌کاری برابر مقررات مربوط خواهند بود (ماده ۹۳ قانون مدیریت خدمات کشوری). در این قانون، سقف اضافه‌کاری بیان نشده است. در خصوص شکل و محتوای کار، حکم قانونی وجود ندارد.

۶-۴. بند ۴ اصل ۴۳: حق بر انتخاب شغل

در جهت تضمین حق بر انتخاب شغل ماده ۶ قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام می‌دارد که «اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگری ممنوع» است. جهت تضمین این حکم، ماده ۱۷۲ قانون مزبور اشعار می‌دارد که «کار اجباری با توجه به ماده (۶) این قانون به هر شکل ممنوع است و متخلف علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل کار انجام‌یافته و جبران خسارت، با توجه به شرایط و امکانات خاکی و مراتب جرم به حبس از ۹۱ روز تا یک سال و یا جریمه نقدی معادل ۵۰ تا ۲۰۰ برابر حداقل مزد روزانه محکوم خواهد شد». بند ۱ ماده ۶ و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی نیز ناظر به این حق هستند؛ بنابراین این حق در قوانین مورد توجه قرار گرفته است.

برخی دوره سربازی را از مصادیق کار اجباری تلقی کرده‌اند. ایراد وارد به دوره سربازی این است که ممکن است در مواقعی از تمامی سربازها در نیروهای مسلح استفاده نشود و از برخی از آنها متناسب با تخصص و کارایی‌شان در سایر دستگاه‌های

دولتی استفاده شود و در خدمت اجباری مهم این است که هریک از شهروندان ذکور به میزان مشخص شده قانونی، به صورت اجباری در خدمت کشور قرار گیرند؛ لذا می توان نتیجه گرفت که چنین تکلیفی در قانون اساسی وجود ندارد و می توان با لغو قوانین عادی مرتبط، این تکلیف را از دایره تکالیف شهروندی در کشورمان خارج کرد (جاوید و ابراهیمی، ۱۳۹۲، صص. ۳۷-۳۸). در پاسخ به ادعای فوق باید بیان داشت که تصور اینکه «حفظ استقلال کشور»، صرفاً ناظر به استقلال نظامی و امنیتی کشور است، موجب برداشت فوق شده است؛ و حال آنکه استقلال مزبور مطلق بوده و شامل تمامی انواع استقلال می شود؛ لذا لازم نیست که دوره سربازی صرفاً ناظر به امور نظامی باشد؛ البته انگیزه اصلی و تأسیسی دوره سربازی برای امور نظامی بوده است که باید این رویکرد متحول شود.

۶-۵. بند ۵ اصل ۴۳: حق بر متضرر نشدن از اعمال حقوق دیگران یا ناشی از معاملات باطل و حرام

ماده ۱۳۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۳ به صراحت اعلام داشته است که «کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود؛ مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد» و نیز ماده ۵۷۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و اصلاحات بعدی آن اعلام می دارد که «هریک از مقامات و مأموران وابسته به نهادها و دستگاه های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا ۵ سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد». در اسلام قاعده فقهی «لا ضرر و لا ضرار»، این مفهوم را بیان می کند. بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ و بند ۳ ماده ۱۲، ماده ۲۱ و بند ۲ مواد ۲۲

۱. «۲- هیچ کس را نمی توان در راه تحقق حقوق و آزادی هایش محدود کرد مگر با قوانینی که در جهت به رسمیت شناختن و احترام گذاشتن به آزادی های دیگران و برآوردن انتظارات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه ای مردم سالارانه، وضع شده باشد». هرچند اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه است و جنبه تعهدآور معاهده را ندارد؛ ولی نقش و نفوذ عمیق آن در جنبه های مختلف مربوط به حقوق بشر و در

قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی^۱ ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷ نیز بر همین امر اشاره دارند.

فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی با عنوان تسهیل رقابت و منع انحصار، وظیفه مبارزه با انحصار را در صلاحیت شورای رقابت موضوع این قانون قرار داده است.

قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳ با اصلاحات بعدی آن، نحوه مبارزه با معاملات حرام (مانند ربا) را مشخص کرده است و قانون شمول اجراء قانون نحوه اجرا اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۹ مجلس، ثروت‌های ناشی از احتکار را مشمول قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی دانسته است. در نتیجه، این حق در قوانین مورد توجه قرار گرفته است.

۶-۶. بند ۶ اصل ۴۳: حق بر متضرر نشدن از اسراف و تبذیر

از مصادیق بارز اسراف در امور اقتصادی کشور، نظام یارانه‌ای کشور و نظام حاکم بر اعتبارات استانی است که بدون پشتوانه نظام اطلاعاتی دارای اشخاص عمل می‌کند. پیشنهاد می‌شود ضمن تنفیذ بند (ع) تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور و با رعایت قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی مصوب ۱۴۰۱، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف شود میزان دسترسی و دارایی‌های افراد را بر اساس اتصال شناسه‌پستی (کدپستی) و شماره ملی به‌عنوان شاخصی از وضعیت محرومیت مشخص نماید؛ همچنین سازمان برنامه و بودجه مکلف شود تخصیص بودجه‌های محرومیت‌زدایی را منوط به داده‌های سامانه اطلاعات بهره‌مندی ایرانیان (موضوع بند (ع) تبصره ۱۷ قانون

تنظیم مقاوله‌نامه‌های الزام‌آور قابل‌انکار نیست و دولت ایران نیز از امضاکنندگان و رأی‌دهندگان مثبت به آن بوده است.

۱. بر اساس نظر شورای نگهبان ذکر «دولت شاهنشاهی» در قوانین و مقررات مغایر اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل ۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است (بند ۲ نظر شماره ۸۸/۳۰/۳۲۴۰۰ مورخ ۸۸/۲/۱۴ شورای نگهبان در خصوص مصوبه مجلس شورای اسلامی با عنوان «طرح تشریح آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی به شهرداری‌ها شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها» (موسی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۱).

مزبور) و پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان نماید و کلیه اطلاعات مربوط به تخصیص بودجه را جهت نظارت عمومی به صورت برخط در اختیار عموم قرار دهد.

۶-۷. بند ۷ اصل ۴۳: حق بر اداره امور عمومی کشور توسط افراد متخصص و ماهر
طبق نظر تفسیری شماره ۱۳۸۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۴ شورای نگهبان، به کارگرفتن کارشناسان خارجی و استفاده از تخصص آنان به طور موقت در ارتش، عضویت در ارتش که در اصل ۱۴۵ قانون اساسی ممنوع شده، محسوب نمی‌گردد. طبیعی است طبق اصل ۸۲ قانون اساسی، استخدام کارشناسان خارجی در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است.

هرچند اصل تخصص‌گرایی در قوانین کشور از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری، با بیان شرایط عمومی و اختصاصی استخدام مورد توجه قرار گرفته است، به جهت عدم اجرای دقیق قوانین مزبور، بعضاً این حق نقض می‌شود. در عین حال، نظر به عدم شمول جامع قوانین مزبور، لازم است از شفافیت برای انتصابات در دستگاه‌های اجرایی استفاده شود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود «تمامی دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۲۹ قانون برنامه ششم و تمامی اشخاصی که از بیت‌المال استفاده می‌کنند، مکلف به انتشار رسمی شیوه‌نامه جذب و ارتقاء نیروی انسانی و ارائه گزارش ماهانه از صورت جلسات کمیته‌های انتصابات به سازمان بازرسی کشور هستند و اعتراض به نتایج صورت‌جلسات در مراجع قانونی مجاز است». به علاوه، در خصوص برخی مقامات سیاسی نظیر وزرا شرایط قانونی تخصصی وضع نشده است که باید این نقیصه رفع شود.

۶-۸. بندهای ۸ و ۹ اصل ۴۳: حق بر خودکفایی و استقلال اقتصادی
مفاد این حق در قوانین مورد توجه قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه، بر اساس ماده ۳ قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی مصوب ۱۳۹۱ مجلس، «وزارت جهاد کشاورزی موظف است در واردات هریک از کالاهای بند (الف) ماده (۱) این قانون برای تأمین نیاز داخلی و تنظیم بازار به نحوی عمل نماید که سالانه حداقل ۱۰ درصد به میزان تولید داخلی این محصولات افزوده شود تا کالاهای مزبور به مرز خودکفایی در تولید داخلی برسد».

نتیجه‌گیری

وظیفه دولت در خصوص اغلب حقوق مستنبط از بند ۱ اصل ۴۳، تعهد بر انجام است و صرفاً در خصوص حق بر تغذیه (خوراک)، حق بر پوشاک و حق بر درمان، بر اساس موازین اسلامی به‌عنوان بالاترین هنجار حقوقی (مستنبط از اصل ۴)، دولت در مورد ناتوانان (کسانی که قدرت فعالیت اقتصادی و کسب درآمد ندارند)، تعهد به نتیجه دارد. حق بر تنظیم مشروع شکل و محتوا و ساعت کار، صرفاً از باب ساعت کار در قوانین مورد توجه قرار گرفته است که این توجه برای تضمین حقوق افراد کافی ارزیابی نمی‌شود. سایر حقوق متناظر با بندهای اصل ۴۳ قانون اساسی، در قوانین به قدر کافی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

هرچند اصل تخصص‌گرایی در قوانین کشور از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری، با بیان شرایط عمومی و اختصاصی استخدام مورد توجه قرار گرفته است، به‌جهت فقدان شمول جامع و عدم اجرای دقیق قوانین مزبور، بعضاً این اصل نقض می‌شود. درعین حال، در خصوص برخی مقامات سیاسی نظیر وزرا شرایط قانونی تخصصی وضع نشده است که باید این نقیصه رفع شود.

کتابنامه

- بانک جهانی (۱۳۷۸). نقش دولت در جهان در حال تحول. گروه مترجمان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- پتفت، آرین و مؤمنی‌راد، احمد (۱۳۹۴). سیر تحول نحوه مداخله دولت در اقتصاد از منظر حقوق عمومی، از دولت رفاه تا دولت فراتنظیمی. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، (۴۷)، ۱۸۵-۲۰۵.
- جاوید، محمدجواد (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی «حق» و «تکلیف» انسانی در عصر قدیم و جدید غربی. *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۰(۲).
- جاوید، محمدجواد و ابراهیمی، محمود (۱۳۹۲). «تکالیف شهروندی» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *بررسی‌های حقوق عمومی*، سال دوم، (۲).
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۰). *حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول: درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- مرکز تحقیقات شورای نگهبان (تهیه و تنظیم) (۱۳۸۹). *مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره دوم) خرداد ۱۳۶۳ تا خرداد ۱۳۶۷*، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- موسی‌زاده، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۰). *دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران*. مرکز تحقیقات شورای نگهبان قانون اساسی، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۵). ارزیابی نهادگرا از جایگاه دولت و بازار در فرایند توسعه ملی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شال ششم، (۲)، ۱۳۳-۱۵۹.
- وابرتون، نایجل (۱۳۸۲). *آثار کلاسیک فلسفه*. ترجمه مسعود علیا، تهران: انتشارات ققنوس.